

حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال ہشتم، شماره ۲۵ / ۲۲۷ / ۲۵ شہریور ۱۴۰۳ / ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴

جامعہ ال جے بی تے

در این شماره می‌خوانید:

تقابل قوانین شرعی جمهوری اسلامی با تغییرات اجتماعی

ترنس‌فوبی و رابطه آن با نژادپرستی

استاندارد دوگانه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با گروه‌های دگرباش جنسی

تطبيق جنسیت و جرم‌انگاری روابط هم‌جنس‌گرایان در قوانین ایران

مشکلات و مسائل پناهنده‌های «ال.جی.بی.تی» ایرانی در کشور ترکیه

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: بهنام دارابی‌زاده، سیروان منصوری، علی‌اصغر فریدی

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

حقوق و آزادی‌های جامعه کوئیر در ایران: تقابل قوانین شرعی جمهوری اسلامی با تغییرات اجتماعی



بهنام دارایی‌زاده

موضوع حقوق، موقعیت اجتماعی و آزادی‌های جامعه کوئیر، همچنان یکی از مسائل چالش‌برانگیز در جوامع مختلف، با دامنه‌ی گسترده‌ای از اختلاف‌های فراگیر است.

هنوز بر سر تعریف ازدواج، امکان سرپرستی کودکان یا چگونگی شرکت در رقابت‌های ورزشی، اختلاف‌های بسیار جدی و محوری وجود دارد. برگزاری رقابت‌های المپیک سال ۲۰۲۴ پاریس، نمونه آشنا و مشخصی از دامنه گسترده‌ی اختلاف‌ها حتی در میان شهروندان کشورهای به اصطلاح «توسعه‌یافته» است.

با همه این‌ها، واقعیت این است که نقش و جایگاه رژیم‌های حقوقی، ساختارهای سیاسی و قوانین حمایتی تا اندازه زیادی روشن می‌کند که شرایط عینی جامعه کوئیر در هر کشوری چگونه است و فعالان اجتماعی چه مسیری در پیش دارند.

در ایران هم، به واسطه تقابل کاملاً آشکار رژیم حقوقی-کیفری جمهوری اسلامی با ابتدایی‌ترین مطالبات و خواست‌های جامعه کوئیر، مسئله پیچیده‌تر و سوبه‌های سیاسی آن بسیار برجسته و روشن است.

در این یادداشت کوتاه تلاش می‌کنم با ارجاع به برخی از قوانین و مقررات کنونی در نظام جمهوری اسلامی، به جایگاه و موقعیت «جامعه رنگین‌کمانی» و مسیری که فعالان و کنشگران حقوق و آزادی‌های جنسی آمده‌اند و در آینده پیش روی خود دارند بپردازم.

جامعه کوئیر و تعریف گروه‌های دگرباش جنسی (ال‌جی‌بی‌تی) در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی

رژیم حقوقی-کیفری جمهوری اسلامی تا اندازه‌ی زیادی برآمده از موازین فقه شیعه است. در فقه شیعه، «جنسیت افراد»، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان حقوق، آزادی‌ها و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی افراد دارد.

مقررات مربوط ازدواج‌های شرعی، مهریه، نفقه، طلاق، ارث، تمکین جنسی، سرپرستی کودکان و.. همگی برآمده از فقه شیعی است و حقوق، وظایف و مسئولیت‌های مشخصی نیز از قبل تعریف شده است.

در این چهارچوب، «جنسیت افراد» یا باید «زن کامل» باشد یا «مرد کامل». ازدواج نیز تنها میان یک مرد و زن تعریف شده است. به این معنا که مفاهیمی مانند «طیف» یا گرایش‌ها و هویت‌های جنسی متفاوت، از اساس رد می‌شود و هیچ جایگاهی ندارد.

در این میان، هیچ رابطه‌ی جنسی دیگری خارج

از این دوگانه‌ی تحمیلی زن و مرد دگرجنس‌گرا، می‌شود.»

نه‌تنها پذیرفته نمی‌شود؛ بلکه مشمول شدیدترین مجازات‌های بدنی، تحقیرآمیز و حتی اعدام در ایران، افراد موسوم به «خنثی» هم در نهایت باید به‌عنوان «زن» یا «مرد» تعیین تکلیف شوند است.

بر اساس قانون مجازات اسلامی، مردی که به

اصلاح خودشان «مفعول» رابطه جنسی میان دو مرد است؛ باید اعدام شود. حکم «فاعل» یک سیاست مشخص و آشکار برای «تغییر جنسیت» افراد کوئیر پیش می‌برد. سیاستی که آشکارا فاصله زیادی با یافته‌ها و اصول اعدام‌شده است.

تاکید روی این موضوع نیز بسیار مهم است که هرچند بعد از قدرت‌گیری حاکمان جمهوری اسلامی، سرکوب همجنس‌گرایان در ایران

نظام‌مند شد، اما اشتباه است اگر تصور کنیم برخورد «قانونی-حکومتی» با همجنس‌گرایان در ایران، صرف محدود به دوران جمهوری اسلامی است. دیگر گفته می‌شود. این گرایش‌ها می‌توانند شامل همجنس‌گرایی، دوجنس‌گرایی و دگرجنس‌گرایی یا حتی بدون گرایش جنسی

برابر ماده ۲۰۷ اصلاحی سال ۱۳۱۰ کمیسیون (asexual) باشد.

عدلیه، رابطه‌ی جنسی میان دو مرد، حسب مورد، می‌توانسته مجازات حبسی با اعمال شاقه، بین سه تا ۱۰ سال داشته باشد.

متن بند الف ماده ۲۰۷ اصلاحی سال ۱۳۱۰

چنین است: «هر کس به عنف یا تهدید هتك ناموس زنی را بنماید، به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد و همین مجازات مقرر است درباره‌ی کسی که مرتکب لواط شود. در صورت وجود یکی از علل مشدده مرتکب به حداکثر مجازات مزبور محکوم

این نکته نیز مهم است که به‌باور بسیاری از

محققان و پژوهش‌گران، گرایش و هویت جنسی افراد به‌طور عمیقی در ساختار روانی و بیولوژیکی افراد ریشه دارد و «تغییر» آن‌ها

به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست. روش‌های موسوم به «تراپی تغییر گرایش» نیز در سال‌های

گذشته با انتقادهای گسترده‌ای همراه بوده است. سازمان‌های بهداشتی و روانشناسی هم تاکید دارد که گرایش و هویت‌های جنسی افراد امری کاملاً «طبیعی» که باید پذیرفته و حمایت شوند، نه اینکه «تغییر» یابد.

بلند و معناداری در مقابله با هم‌جنس‌گراهراسی و ترنس‌هراسی برداشته است.

دیدگاه کلی جامعه ایران نسبت به

گروه‌های دگرباش جنسی

واقعیت این است که هیچ پژوهش یا نظرسنجی مستقل و قابل‌اعتماد و سراسری، درباره باورها یا چگونگی رویکرد جامعه ایران در قبال حقوق و آزادی‌های جامعه کوئیر در دست نیست. ۱۳۸۰، بالا رفته است و گروه‌های حقوق بشری

با این حال، دو موضوع را می‌توان با اطمینان بالایی مطرح کرد: نخست این که جامعه ایران، به‌مانند بسیاری دیگری از کشورهای منطقه، همچنان تا اندازه زیادی «هموفوب» یا «هم‌جنس‌گراهراس» است.

شبکه‌های اجتماعی و حضور و فعالیت نسل تازه‌ای از کنشگران مدنی، راهی که در دو دهه گذشته با مشکلات، برچسب‌زنی‌ها و انگ‌های اجتماعی پرشماری همراه بود؛ با گام‌های

مواجهه‌اند. تحقیر می‌شوند یا در یافتن شغل و فرصت‌های اجتماعی دیگر با گستره‌ی وسیعی



سیروان منصوری

«ترانسیست هراسی» یا «ترنس هراسی» به معنای ترس یا نفرت مغرضانه علیه افراد ترانسیستی است. ترانسیست هراس ها عمدتاً هویت ترنس ها را انکار می کنند یا آن را نادرست و ناموجه جلوه می دهند

افراد ترانسیستی در ایران به عنوان بیمارهای جنسی شناخته می شوند، برای مثال بند «د» از ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب سال ۷۹۳۱، کودکان ترنس را کودکان دارای اختلال هویت جنسی معرفی کرده است. تبلیغات رسمی تنها فرد ترانسیستی که مراحل تطبیق جنسیت را به صورت کامل انجام داده باشد، موجه جلوه می دهد. این رویکرد بیمارانگاران نسبت به افراد ترانسیستی، خود نمونه ای از ترنس هراسی موجود در جامعه ایران است.

مجله حقوق ما درباره این موضوع و مسائل پیرامون آن، با «سوده راد» اکوکوییرفمینیست و کنشگر برابری جنسیتی، گفتگو کرده است.

گروه های دگرباش جنسی (ال.جی.بی. تی) در قوانین حقوقی ایران، چگونه تعریف می شوند؟

قبل از هر چیز، باید تاکید کنیم که طبق فرهنگ رایج و قوانینی که در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، جنس و جنسیت، تعریف های ذات گرایانه دارند. یعنی اینکه فردی که به دنیا می آید، تنها بر اساس ظاهر اندام جنسی اش به او، یکی از دو جنس مونث یا مذکر داده می شود و بعد بر اساس همان جنس اطلاق شده، باید جنسیتی هم ذات گرایانه به او اطلاق شود. بنابراین، افراد با یک «جنسیت» به دنیا می آیند و باید در قالب و مرزهای نقش ها و حقوق جنسیت زده، رشد و زندگی کنند. شما مثلاً زن به دنیا می آید و زن می مانید. درحالی که جنس، جنسیت و تمام مفاهیم و تعاریف طیف های سکشوالیته، بر ساخت و سیال و غیردوگانه هستند.

در قوانین و درک جمهوری اسلامی، هیچ چیز دیگری جز زن یا مرد و دگرجنس گرایی وجود ندارد. البته ایران تنها کشوری نیست که بر اساس این دوگانه جنس و جنسیت، قوانینش بنا گذاشته شده است و این همه داستان نیست. علاوه بر این، هیچ گونه گرایش عاطفی، جنسی، روماتیک، بین دو جنس یا جنسیت مشابه پذیرفته نیست. بنابراین، تعاریف و هنجارها کاملاً «هترونورماتیو» و دقیق تر بگوییم، «سیس هترونورماتیو» هستند. شما باید حتماً در یکی از این دو قالب قرار بگیرید. بنابراین تعریفی به عنوان جامعه «ال.جی.بی.تی.کیو.آی.ای.پلاس»، به عنوان جامعه «دگرباش جنسی

سوده راد؛ اکوکوییرفمینیست، کنشگر برابری جنسیتی،

ترنس فوبی و رابطه آن با نژادپرستی



و جنسیتی» یا «اقلیت جنسی و جنسیتی» یا «رنگین‌کمانی‌ها» در قوانین حمایتی ایران وجود ندارد. جنسیتی که به آنها اطلاق شده است، ندارند.

هم‌جنس‌گراها یعنی «لزبین‌ها» و «گی‌ها»، افرادی که به جنس یا جنسیت مشابه خودشان، گرایش عاطفی و یا جنسی و یا زیبایی‌شناسی دارند، گناهکار تشخیص داده می‌شوند و حتی می‌توان گفت که آنها را بیماری تلقی می‌کنند که نیاز به درمان و حتی مجازات بخاطر ارتکاب به گناه دارند. افرادی که به بیش از یک جنس و یا جنسیت علاقه و گرایش عاطفی یا جنسی یا زیبایی‌شناسی دارند و در گروه بزرگ «دوجنس‌گرایان» قرار می‌دهیم، آنها هم در واقع جایی در قوانین حمایتی ندارند و متأسفانه فرهنگ «منوسکسیست»، یعنی فرهنگی که در دوگانه جنسیتی یعنی دوگانه زن و مرد، فرد باید فقط و فقط به یک جنسیت گرایش داشته باشد، آنها را به عنوان افرادی «فاسد» معرفی می‌کنند. افراد ترنس و هر فردی که جنسیت خودش را متفاوت با آن جنسیتی می‌داند که به او بر اساس ظاهر اندامش اطلاق کرده‌اند را دچار اختلال جنسیتی می‌دانند و آنها را بیمار تلقی می‌کنند. به شدت آنها را تحت پیروسه‌های پزشکی قرار می‌دهند، باید حتماً از نظر روانشناسی ثابت کنند که در یک بدنی گیر کرده‌اند و تولد خود را در بدنشان، اشتباه طبیعت تلقی کنند.

در عمل به این معنی است که باید ثابت کنند که فقط به جنس و یا جنسیت مشابه خودشان می‌توانند علاقه پیدا کنند یا اینکه در ذهنشان رفتارشان، هیچ‌گونه ارتباطی با آن جنس و جنسیتی که به آنها اطلاق شده است، ندارند. در واقع جمهوری اسلامی کاری که می‌کند این است که خودش را به عنوان بهشت افراد ترنس معرفی می‌کند، با این که ممکن است که افراد ترنسی در ایران وجود داشته باشند که زندگی خود را خوب بدانند، اما عموم افراد ترنس در ایران، با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند؛ اینکه دریافت اجازه زندگی به عنوان یک فرد ترنس، ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها طول بکشد، باید تحت عمل‌های جراحی قرار بگیرند، باید تحت عقیم‌سازی قرار بگیرند تا بتوانند که اسناد هویتی جدیدی دریافت کنند، بر اساس جنسیتی که می‌خواهند، و چه تبعیض‌هایی از طرف جامعه به آنها وارد می‌شود. خیلی مهم است که یادآوری کنیم که افراد در ایران به خاطر دوگانه بودن جنسیتی و ذات‌گرایانه بودن درک جنسیت، هیچ راهی برای زندگی نسبتاً نرمال بدون انجام عمل‌های «تطبیق جنسیتی» یا بازتایید جنسیتی ندارند.

در ایران، ترنس‌ها به عنوان افراد ترانسکسوال یا تراجنسی شناخته می‌شوند، واژه‌ای که در خیلی از کشورها و در میادین بین‌المللی، واژه‌ای عقب‌افتاده و حتی توهین‌آمیز است و باید از کلمه ترنس‌چندریا تراجنسیتی یا بطور خلاصه ترنسی استفاده شود.

از طرفی افرادی که به هر نوعی به جنس یا

جنسیت مشابه خودشان علاقه‌ای دارند، در واقع باید خود واقعی‌شان را سرکوب کنند، به هیچ وجه نباید این را نشان دهند، به هیچ وجه نباید آن را عملی کنند. هم‌جنس‌گرایی به عنوان یک جرم برای دو دسته زنان و مردان در ایران قوانین مشخصی دارد، اگر که ثابت شود فردی با هم‌جنس خودش رابطه‌ای داشته است. به علاوه اینکه، افراد دوجنس‌گرا به هیچ وجه به رسمیت شناخته نمی‌شوند. در واقع آن چیزی که قوانین جمهوری اسلامی به عنوان هم‌جنس‌گرایی از آن نام می‌برد، هرگونه رابطه جنسی با «هم‌جنس» است. در ایران هرگونه رابطه جنسی با جنس و یا جنسیت مشابه، مجازات دارد.

اما یادآوری این نکته بسیار ضروری است که هر دوی این دسته‌ها و همه مجازاتی که برای رابطه با هم‌جنس در ایران تنظیم شده است و گهگاهی هم تحت عناوین مختلف مثل: تجاوز به عنف یا تجاوز اجراء می‌شود، اینها طبیعتاً همه قوانین مردسالارانه‌ای هستند و حتی در تقسیم مجازات هم قدرت و برتری خیالی فردی که دخول انجام می‌دهد را به رسمیت می‌شناسند. به این ترتیب حتی در رابطه رضایت‌مندانه بین دو نفر، فردی که دخول انجام می‌دهد، مجازات کمتری دارد نسبت به فردی که دخول را پذیرا شده است. این خیلی مهم است که از این نظر هم نگاه کنیم که چطور جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومتی که کاملاً زن‌ستیز و کاملاً مردسالار و بر اساس تبعیض جنسیتی، ساختار خودش را بنا نهاده است، اینجا هم خودش را نشان می‌دهد. البته از این قوانین، به عنوان قوانین شرعی نام برده می‌شود، اما باید گفت که در همه کشورهایی که مسلمان‌نشین هستند، این قوانین اجراء نمی‌شود و این جمهوری اسلامی است که داعیه‌دار اجرای قوانین شرع بر اساس فقهی که خودشان برداشت می‌کنند، است. متأسفانه این روزها خبرهای مشابهی از افغانستان تحت حکومت طالبان می‌شنویم.

در رابطه با روابط جنسی گروه‌های دگرباش جنسی، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، چه مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است؟

رابطه با جنس مشابه در زنان و مردان، مجازات متفاوتی دارند و افرادی که با آلت جنسی متناسب به مردانه متولد شده‌اند، وقتی که با هم رابطه جنسی برقرار کنند، در قوانین ایران از آن به عنوان «لواط» نام برده می‌شود و برای افرادی که با آلت جنسی متناسب به زنانه به دنیا آمده‌اند، وقتی که با همدیگر رابطه جنسی برقرار کنند، به عنوان «مباحقه» از آن اسم برده شده است که آن هم قوانینش مشخص است و در قانون

دیدگاه کلی جامعه ایران نسبت به گروه‌های دگرباش جنسی به چه شکل است؟ آیا تغییرات مثبتی نسبت به گذشته در رابطه با این افراد، در جامعه ایجاد شده است؟

در تاریخ بشریت، (ال.جی.بی.تی.کیو بودن)، چیز جدیدی نیست. امروزه می‌دانیم که در همه فرهنگ‌ها و همه نقاط جهان، وجود داشته و وجود دارد و این غیرطبیعی خواندنش و تمرکز بر حذفش از جامعه انسانی، یا کار دین و ایدئولوژی است و یا کار کلونیالیزم و برتری‌نژادی است. قوانین ضد جامعه «ال.جی.بی.تی.کیو»، در خیلی از کشورها، میراث دورانی هستند که این کشورها مستعمره کشورهای دیگری بوده‌اند که حالا خودشان پرچم‌دار برابری جنسیتی هستند. اما برای پیشرفت و تغییر یک جامعه، هم نیاز به قوانین و هم نیاز به فرهنگ‌سازی داریم. در ایران که تکلیف قوانین مشخص است، حوزه فرهنگ‌سازی، ما باز با ماشین سرکوب و سانسوری روبرو هستیم که هرگونه اطلاعاتی که خلاف ایدئولوژی‌شان باشد را سرکوب و محدود می‌کنند و به دست مخاطب نمی‌رسد. با این حال، با جهانی‌شدن اینترنت و روند اطلاعات، به خصوص در نسل‌های جوان‌تر، می‌بینیم که دسترسی به اطلاعات سانسورنشده، هم بیشتر شده است. یکی از کارهایی که جامعه مدنی، به خصوص جامعه مدنی خارج از ایران، به دلیل امتیازهایی که دارد و فشارهای کمتری رویش

آیا می‌توان گرایش جنسی یا هویت جنسیتی (جندر) را تغییر داد؟

همه طیف‌های سکشوالیته از جمله جنس، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، بیان جنسیتی، سیال هستند و افراد لزوماً از اول تا آخر زندگیشان، و در یک نقطه مشخص و ثابت روی طیف‌ها و با یک هویت یا یک گرایش یا یک

بیان جنسیتی، زندگی نمی‌کنند. این سیال‌بودگی همه طیف‌های سکشوالیته موجب می‌شود که هر کسی این آزادی را داشته باشد که طبق طبیعت و انتخاب خودش بتواند با حقوق برابر زندگی کند. من اینجا یادآوری می‌کنم که جنس هم یک امری اطلاق، یعنی یک برساخت اجتماعی است، ما نمی‌توانیم بگوییم هر کسی بالاخره با یک جنسی به دنیا می‌آید. اگر بگوییم هر کسی با یک جنسی به دنیا می‌آید، باید حتماً این را هم به رسمیت بشناسیم که آن جنسی که

این روزها به او اطلاق داده می‌شود، بر اساس چارچوبی است که از ذهن انسان‌ها بیرون آمده است و برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی کردن انسان‌ها ساخته شده است و نهایتاً به اینجا می‌رسیم که افراد را فقط به دو دسته زن و مرد، دختر و پسر، مونث و مذکر، تقسیم می‌کند و حتی افرادی که «میان‌جنسی» (بینا جنسی) یا (اینترسکس) هستند، و روی طیف جنس، ویژگی‌های فیزیولوژی ثانویه و شاخصه‌هایی دارند که کاملاً در دسته‌بندی پزشکی زن یا کاملاً در دسته‌بندی پزشکی مرد، قرار نمی‌گیرند و آنها را اصلاً به رسمت نمی‌شناسند.

اما مسوولیت و انتخاب و تصمیم‌زمان یا روش تغییر بیان یا هویت جنسیتی، تنها از آن خود فرد است. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند با تراپی، قانون، فشار، شکنجه، با انواع و اقسام کتاب‌هایی که ممکن است خوانده یا حتی ممنوع شود، با «درس گرفتن از گذشته»، با ارجاع به این دین

و آن مذهب، گرایش جنسی و هویت جنسیتی کسی را تغییر دهد. تلاش برای تغییر جایگاه افراد روی این طیف‌های سکشوالیته، همه مصداق شکنجه هستند، چه برای افرادی که زیر سن قانونی هستند و چه برای افرادی که در سن قانونی هستند. این یکی از تلاش‌هایی است که در کشورهای دیگر در حال انجام شدن است و کشورها گام به گام، در مسیر غیرقانونی و ممنوع کردن «تراپی‌های اصلاحی» پیش می‌روند.

در بعضی از کشورها، اول با افراد زیر سن شروع می‌کنند، ولی این انتخاب را به افراد بالای سن قانونی می‌دهند که در این تراپی‌ها شرکت کنند، ولی اصل و واقعیت داستان این است که فشار و شکنجه، تنها به ترومای افراد اضافه می‌کند و به شخصیت و شان انسانی آنها آسیب می‌زند و حقوق آنها را زیر پا می‌گذارد و هیچ تغییری در گرایش آنها ایجاد نمی‌کند. ممکن است که فردی خودش را مجبور کند که در آن چارچوبی که قانون و جامعه برایش تعیین کرده، زندگی کند، اما این به معنی تغییر گرایش آن فرد نیست. شاید بهتر باشد به عنوان یک مثال از نقض حقوق انسانی اشاره کنیم در ایران چه اتفاقی می‌افتد. از آنجایی که در ایران یک زن، تنها می‌تواند به یک مرد گرایش داشته باشد، یک مرد هم تنها می‌تواند به یک زن گرایش داشته باشد، افرادی که تمایلات جنسی، عاطفی، یا زیبایی‌شناسی به جنس یا جنسیت مشابه خودشان دارند، در

پاسخ سردرگمی طبیعی در این شرایط، توسط مشاورها خیلی راحت به سمت هویت‌یابی به عنوان «ترنس‌سکشوال» سوق داده می‌شوند و در مسیر قانون جمهوری اسلامی برای «تغییر جنسیت» قرار داده می‌شوند. چون زنی که به زن، علاقه‌ای داشته باشد، از نظر آنها زن نیست و مرد است. به این ترتیب در ایران، ما شاهد تطبیق جنسیت‌های اجباری نه برای بازتایید جنسیت، که برای تطبیق با ساختار دوگانه جنس و جنسیت، هترونرماتیویته و دگرجنس‌گرایی اجباری هستیم. این در واقع سلاخی کردن جسم و روان افرادی است که تمایل یا گرایش جنسی آنها، خلاف چیزی است که قانون و جامعه می‌پذیرد.

ترنس‌فوبی و بطورکلی ستیز با جامعه ال.جی.بی.تی. کیو چه رابطه‌ای با نژادپرستی دارد؟

من دوست دارم اینجا به موضوعی اشاره کنم که احتمالاً این روزها خیلی از خواننده‌ها و افرادی که المپیک پاریس را دنبال می‌کنند، درگیرش بوده‌اند و موضوع بوکسور زن الجزایری «ایمان خلیفه» است که وقتی با رقیب ایتالیایی خودش شروع به مبارزه کرد، رقیب ایتالیایی، به بهانه قدرت بالای ایمان خلیفه، زمین را ترک کرد. یکی از ترنس‌فوب‌ترین نویسنده‌های مشهور که هم به خاطر خلق داستان‌های «هری پاتر» معروف است و هم بخاطر ترنس‌فوبی، به

داشته باشند یا کروموزوم Y، مردان می‌توانند میزان پروژسترون بالا داشته باشند و کروموزوم XX، و اینها همه ویژگی‌های ثانویه فیزیولوژیکی هر فردی است. این پزشکی کردن و تصویرسازی جنس و جنسیت، با نگاه ذات‌گرایانه همین آسیب را وارد می‌کند. بعدها تلاش برای اثبات زن بودن خلیفه، باز بر اساس همان معیارها با انتشار عکس‌های کودکی «ایمان خلیفه» بیشتر شد. گفته شد او «زن» متولد شده است و از وقتی به دنیا آمده است، به عنوان یک زن بزرگ شده است و جنسیت زن دارد. ما اما اصلاً کاری نداریم که اندام جنسیش چه شکلی است و میزان تستسترونش چقدر است و کروموزوم‌ها چه ترتیبی دارند. نشان دادن فقط دو مدل استاندارد برای انسان بودن، یعنی یا زن بودن یا مرد بودن، همه استانداردهای زیبایی و زنانگی و مردانگی، با سکسیسم و راسیسم و البته راست افراطی در هم تنیده‌اند.

امروز که من با شما صحبت می‌کنم، اتفاقاً «ایمان خلیفه» اولین مدال طلای بوکس زنان را در المپیک پاریس برای الجزایر دریافت کرده است و به نظر می‌رسد این ملغمه‌ای که برپا خواسته بود، تنها ترنس‌فوبی نبود و اتفاقاً رگه‌هایی از راسیسم و برتر دانستن سفیدها بر غیرسفیدها هم در این خشونت وجود داشته است. اینکه یک زن سفید از یک زن غیرسفید شکست می‌خورد، به نظر افرادی که

در نژادپرستی، خارجی‌ستیزی، و خودبرتربینی سفیدها، پرچمدار هستند، غیرقابل قبول است. به هر حال، می‌بینیم که چطور جنس و جنسیت و کلا در مجموع سکشوالیته افراد از هر جایی از این طیف باشند، می‌تواند دست‌آویز خشونت علیه‌شان قرار گیرد و عاملی برای طبقه‌بندی کردن آنها شود و در واقع تبدیل به دستاویزی برای توجیه تبعیض علیه‌شان قرار گیرد.

اینکه یک نفر را، حتی قبل از اینکه به دنیا بیاید، در یک قالب قرار دهیم و جشن «تعیین جنسیت» تنها بر اساس ظاهر اندام جنسی واضح در معاینات پزشکی بگیریم و قالب و باید و نباید و حتی امیدها و آرزوهایش را رنگ صورتی یا آبی بزنیم و انتظار داشته باشیم که آن فرد کاملاً در خط و مرزهای آن محدود‌ه‌ای که برایش تعریف شده است، بزرگ شود و زندگی کند، نه تنها اختیار آن فرد را از او می‌گیریم، که میراث جهان سفید را بی‌توجه به انتقادهایی که در همان جهان وارد است و حتی بدون فشار قوانین تبعیض‌آمیز، بازتولید می‌کنیم. این خشونت به آن حدی می‌رسد که به یک قهرمان المپیک هم چنین هجمه‌ای وارد می‌شود.

علاقه‌مندان و افرادی که به دنبال کسب اطلاعات بیشتر در مورد بحث مورد نظر هستند، می‌توانند به لینک زیر در [یوتیوب](#) مراجعه کنند و فیلم‌های کوتاه آموزشی که در این زمینه در اسپکتروم تهیه شده است را ببینند.

پرستو فاطمی؛ کارشناس ارشد حقوق بشر، استاندارد دوگانه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با گروه‌های دگرباش جنسی



سیروان منصوری

با تشخیص پزشکی شروع می‌شود که شامل ارزیابی‌های روان‌شناختی و تایید پزشکان متخصص است.

درخواست قانونی: فرد متقاضی تغییر جنسیت، باید درخواست خود را به مراجع قانونی یا دادگاه ارائه دهد. این درخواست معمولاً شامل مدارک پزشکی، ارزیابی روان‌شناختی و شاید تاییدیه خانواده است. صدور حکم دادگاه: در بسیاری از کشورها، دادگاه حکم تغییر جنسیت را صادر می‌کند و فرد مجاز به تغییر اسناد شناسایی خود می‌شود.

تغییر اسناد شناسایی: پس از صدور حکم دادگاه، فرد می‌تواند اسناد شناسایی مانند شناسنامه، کارت ملی و پاسپورت خود را با جنسیت جدید دریافت کند. * چالش‌ها و مشکلات قانونی؛

قوانین متفاوت: قوانین تغییر جنسیت از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است. در برخی کشورها، این فرآیند ساده‌تر و در برخی دیگر پیچیده‌تر و محدودتر است.

حقوق خانواده: مسائل مربوط به ازدواج، حضانت فرزندان و ارث‌بری، ممکن است تحت تأثیر تغییر جنسیت قرار بگیرند و نیاز به تطبیق قانونی داشته باشند.

حقوق کار: در برخی موارد، افراد پس از تغییر جنسیت با تبعیض در محل کار مواجه می‌شوند و نیاز به حمایت‌های قانونی دارند.

حقوق گروه‌های دگرباش جنسی (ال.جی.بی.تی) چیست؟

حقوق اساسی: افراد دگرباش جنسی حق دارند از حقوق بشر از جمله حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی برخوردار شوند.

جراحی تغییر جنسیت، شامل چندین روش است که ممکن است به بدن فرد کمک کند تا با هویت جنسی خود هماهنگ شود. بر خلاف جنسیت تعیین شده در بدو تولد (چه مرد یا زن)، هویت جنسی راهی است که شما بدن خود را درک می‌کنید و خود را به دیگران نشان می‌دهید. افراد مبتلا به نارسایی جنسی اغلب احساس می‌کنند که با جنسیت اشتباه به دنیا آمده‌اند. یک مرد بیولوژیک ممکن است بیشتر به‌عنوان یک زن شناسایی شود و عکس آن هم صادق است.

عمل جراحی تغییر جنسیت می‌تواند برای تغییر دادن ظاهر اندام تناسلی انجام شود. گاهی نیز دلیل انجام و انتخاب این روش، این است که گزینه‌های غیرجراحی تغییر جنسیت، نتیجه‌بخش نیستند و جراحی تنها راه ممکن برای انتقال جنسیتی است. مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر این موضوع، مشکلات و مصائب آن، حقوق گروه‌های دگرباش جنسی و نحوه تعامل حکومت جمهوری اسلامی ایران با این مساله، با "پرستو فاطمی" کارشناس ارشد حقوق بشر گفتگو کرده است:

پروسه تغییر جنسیت در ایران به چه شکل است و مشکلات بر سر این راه کدام است؟

تغییر جنسیت و مسائل مربوط به حقوق دگرباشان جنسی از منظر قانونی و حقوقی در کشورهای مختلف متفاوت است. در اینجا به برخی از جنبه‌های کلیدی این موضوع اشاره می‌کنیم:

* مراحل قانونی تغییر جنسیت؛ تشخیص پزشکی: معمولاً فرآیند تغییر جنسیت

قوانین ضد تبعیض: بسیاری از کشورها قوانینی دارند که تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را ممنوع می‌کند. این قوانین در زمینه‌های مختلفی مانند کار، مسکن، آموزش و خدمات عمومی اعمال می‌شوند.

* ازدواج و خانواده: ازدواج همجنس‌گرایان: در برخی کشورها ازدواج همجنس‌گرایان قانونی شده است و زوج‌های همجنس‌گرا می‌توانند از حقوق مشابه زوج‌های دگرجنس‌گرا برخوردار شوند. ازدواج همجنس‌گرایان در ایران به رسمیت شناخته نشده است و زوج‌های همجنس‌گرا از حقوق مشابه زوج‌های دگرجنس‌گرا برخوردار نیستند.

فرزندخواندگی: حقوق فرزندخواندگی برای زوج‌های همجنس‌گرا در برخی کشورها به رسمیت شناخته شده است و در برخی دیگر هنوز محدودیت‌هایی وجود دارد. حقوق فرزندخواندگی برای زوج‌های همجنس‌گرا در ایران به رسمیت شناخته نشده است و محدودیت‌هایی وجود دارد.

* بهداشت و سلامت: دسترسی به خدمات بهداشتی: افراد دگرباش جنسی باید به خدمات بهداشتی مناسب دسترسی داشته باشند. این شامل خدمات مرتبط با بهداشت روانی، تغییر جنسیت و بیماری‌های خاص مرتبط با دگرباشان می‌شود.

آموزش و آگاهی‌رسانی: ارائه آموزش و آگاهی‌رسانی به کادر بهداشتی و جامعه در مورد نیازهای خاص افراد دگرباش جنسی ضروری است. پذیرش اجتماعی افراد دگرباش جنسی در ایران، نیاز به افزایش آگاهی و کاهش تبعیض از طریق آموزش و کمپین‌های اجتماعی دارد.

هویت جنسیتی چیست و چه مواردی را در بر می‌گیرد؟

تعریف هویت جنسیتی: هویت جنسیتی به احساس درونی و شخصی هر فرد نسبت به جنسیت خود اشاره دارد. این احساس می‌تواند با جنسیتی که فرد به هنگام تولد به آن نسبت داده شده است، همخوانی داشته یا نداشته باشد. هویت جنسیتی، بخشی از هویت کلی فرد است و به درک شخص از خود و نحوه بیان جنسیت خود به جامعه مربوط می‌شود.

* مواردی که هویت جنسیتی را در بر می‌گیرد: جنسیت انتسابی: جنسیتی که به فرد در هنگام تولد بر اساس ویژگی‌های فیزیکی داده می‌شود (معمولاً مرد یا زن)، جنسیت خودشناسی: جنسیتی که فرد به طور درونی آن را تجربه می‌کند و ممکن است با جنسیت انتسابی همخوانی داشته یا نداشته باشد.

بیان جنسیتی: نحوه‌ای که فرد جنسیت خود را از طریق لباس، رفتار، آرایش و سایر جنبه‌های ظاهری نشان می‌دهد. این بیان می‌تواند با هنجارهای جامعه درباره جنسیت متفاوت باشد.

جنسیت اجتماعی: نقشی که فرد در جامعه بر اساس جنسیت خود می‌پذیرد، یا به او نسبت داده می‌شود. هویت جنسیتی غیرباینری: برخی افراد ممکن است خود را به عنوان جنسیت‌های غیرباینری معرفی کنند، یعنی جنسیت آنها خارج از تقسیم‌بندی سنتی مرد و زن است. این هویت‌ها می‌توانند شامل جنسیت‌هایی مانند جنسیت‌های دوگانه، جنسیت‌های سیال، یا هیچ‌جنسیتی باشند.

* وضعیت هویت جنسیتی و افراد (ال.جی.بی.تی.کیو.آی) در ایران:

چالش‌ها و مشکلات: قوانین و محدودیت‌ها: از روش‌های مقابله با فشارهای اجتماعی و روانی در ایران، قوانین سخت‌گیرانه‌ای وجود دارد که افراد (ال.جی.بی.تی.کیو.آی) را مجبور می‌کند * اهمیت شناخت و احترام به هویت جنسیتی در ایران: هویت جنسیتی و گرایش جنسی خود را پنهان کنند. فعالیت‌های همجنس‌گرایانه و تراجنسی بودن ممکن است تحت تعقیب قانونی قرار گیرد و مجازات‌های سنگینی به همراه داشته باشد.

تبعیض و آزار: افراد (ال.جی.بی.تی.کیو.آی) در ایران با تبعیض و آزار اجتماعی، خانوادگی و شغلی مواجه هستند. این تبعیض‌ها می‌تواند شامل اخراج از کار، طرد از خانواده و خشونت‌های فیزیکی و روانی باشد.

فشار روانی: پنهان کردن هویت جنسیتی و گرایش جنسی می‌تواند به مشکلات روانی جدی مانند اضطراب، افسردگی و احساس تنهایی منجر شود.

* روش‌های مقابله و پنهان کردن هویت: پنهان‌کاری: بسیاری از افراد (ال.جی.بی.تی.کیو.آی) در ایران مجبور هستند هویت جنسیتی و گرایش جنسی خود را پنهان کنند. این پنهان‌کاری شامل عدم بیان آشکار احساسات و گرایش‌ها، انتخاب پوشش و رفتارهایی مطابق با انتظارات جامعه و استفاده از کلمات و اصطلاحات غیرمستقیم برای صحبت درباره هویت خود است.

شبکه‌های مخفی: برخی افراد به شبکه‌ها و گروه‌های مخفی و غیررسمی متصل می‌شوند که به آنها امکان می‌دهد در محیط‌های امن‌تر و حمایتی‌تر درباره هویت جنسیتی و گرایش جنسی خود صحبت کنند.

مشاوره آنلاین: استفاده از خدمات مشاوره و حمایت‌های روان‌شناختی آنلاین که هویت جنسیتی و گرایش جنسی افراد را محترم بشمارند، یکی دیگر

از روش‌های مقابله با فشارهای اجتماعی و روانی است.

* اهمیت شناخت و احترام به هویت جنسیتی در ایران: احترام به هویت جنسیتی: شناخت و احترام به هویت جنسیتی هر فرد، اهمیت زیادی دارد و می‌تواند به ایجاد محیطی پذیرا تر و ایمن‌تر برای همه افراد کمک کند. این امر نیازمند تغییر نگرش‌های اجتماعی و قوانین است.

آگاهی و آموزش: آموزش جامعه در مورد هویت جنسیتی و تنوع آن، می‌تواند به کاهش تبعیض و افزایش پذیرش کمک کند. برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و کمپین‌های آگاهی‌بخشی، می‌تواند در این زمینه موثر باشد.

هویت جنسیتی، یک مفهوم چندبعدی و پیچیده است که نیاز به درک و احترام از سوی جامعه دارد تا همه افراد بتوانند به طور کامل و با احترام به خود و دیگران زندگی کنند. در ایران، افراد (ال.جی.بی.تی.کیو.آی) با چالش‌های بسیاری مواجه هستند که نیازمند حمایت‌های قانونی، اجتماعی و روانی برای بهبود وضعیت زندگی آنها است. احترام به هویت جنسیتی و ایجاد فضایی پذیرا تر، می‌تواند به کاهش تبعیض و افزایش کیفیت زندگی این افراد کمک کند.

مسائل مربوط به گروه‌های دگرباش جنسی در دنیا در قالب مسائل حقوقی تبیین می‌شود، چرا جمهوری اسلامی سعی می‌کند آن را در قالب شرع و فقه اسلامی تعریف کند؟ حکومت اسلامی ایران، این دوگانگی در سطح بین‌المللی را چگونه

توجیه و تفسیر می‌کند؟

تبيين حقوقی مسائل دگرباشان جنسی در دنیا: در بسیاری از کشورهای جهان، مسائل مربوط به حقوق دگرباشان جنسی (ال.جی.بی.تی.کیو.آی) * توجیه و تفسیر دوگانگی در سطح بین‌المللی:

در قالب قوانین حقوق بشری و حقوق مدنی تبیین و بررسی می‌شود. این قوانین به دنبال حفاظت از حقوق و آزادی‌های فردی افراد دگرباش جنسی هستند و شامل موارد زیر می‌باشند:

حق ازدواج: بسیاری از کشورها ازدواج همجنس‌گرایان را به رسمیت شناخته‌اند و حقوق مشابه زوج‌های دگرجنس‌گرا را به آنها اعطاء می‌کنند.

قوانین ضد تبعیض: قوانینی که تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را ممنوع می‌کنند، در بسیاری از کشورها وضع شده‌اند.

حمایت‌های قانونی: ارائه حمایت‌های قانونی به افراد دگرباش جنسی در برابر خشونت، تبعیض و آزار، از جمله دسترسی به عدالت و حمایت‌های حقوقی.

تعریف مسائل دگرباشان جنسی در قالب شرع و فقه اسلامی در ایران: جمهوری اسلامی ایران مسائل مربوط به گروه‌های دگرباش جنسی را در قالب شرع و فقه اسلامی تعریف و بررسی می‌کند. دلایل این رویکرد عبارتند از:

پایبندی به اصول دینی: قوانین جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی شکل گرفته‌اند و حاکمیت تلاش می‌کند تا تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی را بر مبنای فقه و شریعت اسلامی تفسیر و اجرا کند.

حفظ ارزش‌های اخلاقی: حکومت ایران معتقد است که پیروی از اصول شرعی و فقهی اسلامی، می‌تواند به حفظ ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ ملی و جامعه کمک کند و از انحرفات اجتماعی جلوگیری کند.

تاکید بر حاکمیت ملی و استقلال فرهنگی: ایران استدلال می‌کند که هر کشور حق دارد بر اساس فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات خود، قوانین و سیاست‌های داخلی را تعیین کند. به این ترتیب، ایران ادعا می‌کند که قوانین شرعی و فقهی آن بر اساس ارزش‌های ملی و فرهنگی جامعه ایران بنا شده‌اند و باید به آنها احترام گذاشته شود.

انتقاد از استانداردهای دوگانه: ایران معتقد است که کشورهای غربی در مسائل حقوق بشری و حقوق دگرباشان جنسی، از استانداردهای دوگانه استفاده می‌کنند و به تناسب منافع سیاسی خود به این مسائل می‌پردازند. این انتقاد به منظور تضعیف فشارهای بین‌المللی و حفظ مشروعیت داخلی به کار گرفته می‌شود.

تاکید بر مفاهیم اسلامی حقوق بشر: جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا مفاهیم حقوق بشری را بر اساس آموزه‌های اسلامی بازتعریف کند. به این ترتیب، ایران به دنبال ارائه تفسیری از حقوق بشر است که با اصول و ارزش‌های اسلامی سازگار باشد و می‌خواهد این تفسیر را به عنوان جایگزینی برای استانداردهای بین‌المللی مطرح کند.

دینی است. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول و منطقه، متفاوت باشد.

شرعی و فقهی اسلامی، مسائل دگرباشان جنسی را تعریف و بررسی می‌کند و تلاش می‌کند این رویکرد را در برابر فشارهای بین‌المللی توجیه و تفسیر کند. این دوگانگی همچنان یکی از چالش‌های مهم در حوزه حقوق بشر و روابط بین‌المللی ایران باقی مانده است.

و نسبت مردان به زنان: بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که نسبت افراد تراجنسی مرد به زن (افرادى که در هنگام تولد به عنوان مرد شناسایی شده‌اند، اما هویت جنسیتی زنانه دارند) نسبت به افراد تراجنسی زن به مرد (افرادى که در هنگام تولد به عنوان زن شناسایی شده‌اند، اما هویت جنسیتی مردانه دارند) در بسیاری از کشورها بیشتر است. این نسبت ممکن است حدود ۰.۱ تا ۳ برابر بیشتر باشد.

فراوانی گروه تراجنسی در بین مردان و زنان به چه شکل است؟

تعریف تراجنسی: افراد تراجنسی (ترنسجندر)، کسانی هستند که هویت جنسیتی‌شان با جنسیتی که در هنگام تولد به آنها نسبت داده شده است، مطابقت ندارد. این افراد ممکن است تصمیم بگیرند که از طریق هورمون‌درمانی، جراحی یا سایر روش‌ها، جنسیت خود را تغییر دهند.

فراوانی تراجنسی‌ها در بین مردان و زنان: تعیین دقیق فراوانی افراد تراجنسی در جوامع مختلف چالش‌برانگیز است، زیرا بسیاری از افراد ممکن است به دلایل اجتماعی، فرهنگی یا قانونی هویت تراجنسی خود را آشکار نکنند. با این حال، پژوهش‌ها و مطالعات مختلفی در این زمینه انجام شده است که نتایج آنها به طور تقریبی به شرح زیر است:

فراوانی کلی: از نظر فراوانی، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نسبت افراد تراجنسی به نسبت کل جمعیت متغیر است، اما برخی تخمین‌ها این نسبت را حدود ۱ در ۱۰۰۵۱ تا ۱ در ۱۰۰۰۲ نفر می‌دانند. این به این معنی است که پنج صدم درصد تا هفت صدم درصد جمعیت ممکن است ویژگی‌های تراجنسی داشته باشند. این میزان ممکن است بسته به کشور

بپذیرش اجتماعی: در جوامعی که پذیرش و حمایت بیشتری از افراد تراجنسی وجود دارد، احتمال آشکار کردن هویت تراجنسی بیشتر است و به تبع آن، فراوانی گزارش شده نیز افزایش می‌یابد.

قوانین و حمایت‌های قانونی: وجود قوانین حمایتی و عدم تبعیض در برابر افراد تراجنسی، می‌تواند به افزایش تعداد افرادی که هویت خود را آشکار می‌کنند، منجر شود.

فرهنگ و آداب و رسوم: در جوامعی که تابوها و فشارهای فرهنگی و اجتماعی علیه افراد تراجنسی بیشتر است، این افراد ممکن است هویت خود را پنهان کنند و در نتیجه، فراوانی گزارش شده کمتر باشد.

* وضعیت در ایران: در ایران، با وجود محدودیت‌ها و قوانین سخت‌گیرانه، برخی افراد تراجنسی تصمیم به آشکار کردن هویت خود و تغییر جنسیت می‌گیرند. بر اساس برخی برآوردها، فراوانی افراد تراجنسی در ایران نیز مشابه سایر کشورها است، اگرچه آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد.

تطبیق جنسیت و جرم‌انگاری روابط هم‌جنس‌گرایان در قوانین ایران



علی‌اصغر فریدی

هم‌جنس‌گرایی به تمایل عاشقانه، تمایل جنسی، یا رفتار جنسی اشخاص هم‌جنس گفته می‌شود. «هم‌جنس‌گرایی» در کنار «دگرجنس‌گرایی» و «دوجنس‌گرایی»، سه رده اصلی را در طیف گرایش‌های جنسی تشکیل می‌دهند. هم‌جنس‌گرایی به‌عنوان یکی از گرایش‌های جنسی، به معنی مجموعه‌ای از تمایل‌های جنسی، عاطفی، یا عاشقانه به افراد هم‌جنس است که نسبتاً پایدار و مداوم باشند. به فردی که به جنس مخالف گرایش داشته باشد «دگرجنس‌گرا» و به افرادی که هم به جنس مخالف و هم به افراد هم‌جنس تمایل دارند، «دوجنس‌گرا» می‌گویند. هم‌جنس‌گرایی همچنین به تصور شخص از هویت جنسی‌اش نیز اطلاق می‌شود.

برای اشاره به افراد هم‌جنس‌گرای زن، معمولاً از واژه «لزبین» و برای هم‌جنس‌گرایان مرد، بیشتر از «گی» استفاده می‌شود، البته اصطلاح «گی» معمولاً هم به زنان هم‌جنس‌گرا و هم به مردان هم‌جنس‌گرا اشاره دارد.

دانشمندان عامل دقیق شکل‌گیری گرایش‌های

جنسی را نمی‌دانند، اما معتقدند که برهم‌کنش پیچیده‌ای از عوامل ژنتیکی، هورمونی، و محیطی بر آن اثرگذار است. دانشمندان بیان می‌کنند که گرایش جنسی افراد، اختیاری یا ارادی نیست. هرچند هیچ فرضیه‌ای در توضیح علت تفاوت در گرایش‌های جنسی افراد، مورد توافق عمومی قرار نگرفته است، با این حال، دانشمندان فرضیه‌هایی را معتبرتر می‌دانند که بر تاثیر عوامل زیستی بر هم‌جنس‌گرایی و دیگر گرایش‌های جنسی تاکید می‌کنند. مستنداتی که عوامل طبیعی و زیستی را در شکل‌گیری گرایش جنسی فرد (خصوصاً در مردان) موثر می‌دانند، بسیار بیشتر از شواهد موجود در مورد تاثیر عوامل محیطی است. طبق مطالعاتی که در نیم‌قرن گذشته انجام شده‌اند، مدرک محکمی وجود ندارد که نشان دهد تجربیات دوران کودکی، محیط خانواده یا تربیت والدین، بر هم‌جنس‌گرا شدن افراد موثر باشند.

با اینکه بعضی معتقدند، هم‌جنس‌گرایی غیرطبیعی است، اما مطالعات علمی نشان می‌دهد که هم‌جنس‌گرایی یکی از تنوع‌های عادی و طبیعی در طیف رفتارهای جنسی انسان است و به‌تنهایی و ذاتاً مایه ایجاد تاثیرات منفی در روحیه و روان شخص نمی‌گردد. از دهه ۰۷۹۱ مراجع پزشکی و روان‌پزشکی جهان، به طور رسمی، هم‌جنس‌گرایی را از فهرست بیماری‌های روانی خارج کرده‌اند. انجمن

روان‌شناسی آمریکا در سال ۵۷۹۱، سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۹۹۱، سازمان‌های بهداشتی انگلستان از سال ۴۹۹۱، سازمان‌های بهداشتی روسیه از سال ۹۹۹۱ و انجمن روان‌شناسی چین از سال ۱۰۰۲ از جمله این سازمان‌ها هستند. برای بررسی بیشتر این موضوع و ابعاد مختلف آن، مجله حقوق ما با سجاد عفت‌پیشه وکیل دادگستری گفتگو کرده است:

گروه‌های ال.جی.بی.تی در قوانین ایران چگونه تعریف می‌شوند؟

ایران از دیرباز مهد تمدن، هنر و فرهنگ بوده است، و از تمامی اقسام افراد، اعم از گروه‌ها و قشرهای مختلف، در آن زندگی می‌کرده‌اند. این زندگی کردن، ملازمه‌ای با مذکر یا مونث بودن آن نداشته و معمولاً رفتار ثابتی با همه افراد جامعه داشته‌اند. تنوع جنسیتی مساله‌ای با قدمت تاریخی است. یکی از اساسی‌ترین بخش هویت فرد، جنسیت است که تأثیر عمیقی بر تمامی امور زندگی و حیات شخص می‌گذارد. با توجه به اینکه هویت فرد کاملاً انحصاری بوده و تجربیات جنسی فرد، کاملاً اختصاصی‌اند، لذا درک و توجه به این تنوع جنسیتی، به افراد کمک می‌کند که با افتخار از هویت خود دفاع کنند.

تغییر جنسیت گروه‌های دگر باش جنسی طبق قوانین ایران به چه شکل است و

پروسه آن چگونه است؟

مرکز یا کلینیک یا بیمارستانی که در نزدیکی در ماده ۹۳۹ قانون مدنی، قسمت سهم‌الارث طبقه سوم، اشاره کرده است که در صورتی که وراث خنثی بوده و از جمله وراثی باشند که ذکور آنها دو برابر اناث می‌برند، سهم‌الارث او

به طریق زیر معین می‌شود. اگر علایم رجولیت، غالب باشد، سهم‌الارث یک پسر از طبقه خود، و اگر علایم انائیت یا همان دختر بودن غلبه داشته باشد، سهم‌الارث یک دختر را می‌برد. اگر

هیچ کدام از علایم بالا را غالب نباشد، نصف مجموع سهم‌الارث یک پسر و یک دختر از طبقه خود را خواهد برد. لذا وقتی قانون ما در مورد سهم‌الارث این گروه، بحث کرده است، پس دلیلی برای عدم مقبولیت این گروه، وجود ندارد.

در قانون حمایت خانواده، مصوب سال ۱۹۳۱ فصل اول ماده چهار بند هجده، تاکید شده است که برای درخواست تغییر جنسیت، فرد باید به دادگاه خانواده مراجعه کند و بعد از بررسی و صحت احکام گفته‌شده و تاییدیه پزشکی قانونی

و اینکه علایم رجولیت یا انائیت غالب باشد، به حکم دادگاه، اجازه به تغییر جنسیت به هر گرایشی که غالب می‌باشد، داده خواهد شد. که معمولاً این پروسه از ابتدا تا انتها، با توجه به حجم کار شعبه، از سه ماه تا نه ماه زمان خواهد برد، و بعد از حکم دادگاه، فرد می‌تواند به هر

واژه هم‌جنس‌گرایی در ایران چگونه تعریف شده است، در چه مواردی روابط این افراد جرم‌انگاری شده است و مواد قانونی آن، کدام‌ها هستند؟

در ایران، بر پایه نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، حقوق افراد "ال.جی.بی.تی" به رسمیت شناخته نشده است، یعنی احکام جداگانه‌ای برایشان در نظر گرفته نشده است و در مقابل جرم و مجازات و سایر احکام قانونی از قبیل بیع، اجاره و غیره، یکی است. در خصوص هم‌جنس‌گرایی، در کتاب قانون مجازات اسلامی، از ماده ۳۳۲ تا ماده ۱۴۲، موارد مربوط به لواط، تفخیز و مساحقه، جرم‌انگاری شده است که حداقل مجازات آنها ۱۳ ضربه تا ۴۷ ضربه شلاق و حداکثر آن تا اعدام می‌باشد.

این افراد در ایران و جامعه ایرانی، در روابط روزمره خود آزاد و به سهولت می‌توانند با یکدیگر و بدون منع قانونی رفت و آمد داشته باشند، تا زمانی که این افراد بخواهند این رابطه را رسمی کنند یا ارتباط جنسی داشته باشند که در این صورت، جامعه ارتباط جنسی و روابط

رسمی اعم از ازدواج، عقد، نامزدی و غیره را به رسمیت نشناخته و برخورد قانونی و جدی با آنها خواهد کرد. علت اصلی این برخورد، دین اسلام است که این اعمال و رفتارها را از آن زمان به رسمیت نمی‌شناخته است و مجازات‌هایی برای آنها در نظر گرفته است. اما به مرور، با توجه به اینکه این گروه افراد در جامعه، روز به روز در حال افزایش هستند و با توجه به احکام ایران، بسیاری از آنها به دلیل قوانین ایران، به ناچار مجبور به ترک کشور می‌شوند. بنابراین لازم است که احکام جداگانه‌ای برای آنها در قالب یک چهارچوب کاملاً مشخص، تعیین شود تا این افراد همواره مورد حمایت قانون قرار گرفته

و در جامعه مورد تمسخر قرار نگیرند و آرامش کافی در کشور محل اقامت خود داشته باشند و مجبور به مهاجرت به کشورهای همسایه و کشورهای که این قانون و این گرایش‌های جنسی را به رسمیت می‌شناسد، نشوند.

نسبت داده شده است.

در قوانین اسلام، هم‌جنس‌گرایی حرام بوده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نگاه قانون این است که اگر فردی گرایش به هم‌جنس دارد، نشان از اختلال جنسیتی او دارد و تا زمانی که قانون اصلاح یا تغییر نکند، به ندرت در نگاه افراد جامعه، تغییر ایجاد می‌شود. این نگرش‌ها به تنهایی و با کمک اجتماع نمی‌توانند رشد کنند، چون انواع و اقسام مجازات‌ها بر سر گروه "ال.جی.بی.تی" سایه افکنده است و غلبه به آنها، سخت است و معمولاً گروه‌های اولیه‌ای که در این راه پا به مبارزه گذاشته‌اند، قربانی شده‌اند و راه را معمولاً برای نفرات بعدی هموار کرده‌اند و این اقدام و این قوانین، سایه افسردگی را بر سر

قوانین شرعی و قانون مجازات اسلامی در رابطه با گروه‌های اقلیت جنسی چه می‌گوید؟ انواع موارد اتهامی در این حوزه، طبق قانون مجازات اسلامی، کدام‌ها هستند؟

در ایران بیشتر موارد قانونی با شرع آمیخته شده و در این حوزه، شرع بر قانون ارجح دانسته

این گروه افکنده و رشد سریعی داشته است. کلی نمی‌توان گفت که حمایتی برای جامعه "ال.جی.بی.تی" در قوانین ایران وجود دارد.

دیدگاه کلی جامعه ایران نسبت به گروه‌های دگرپاش جنسی به چه شکل است؟ آیا تغییرات مثبتی نسبت به گذشته، در مواجهه با این افراد، در جامعه ایجاد شده است؟

در مسائل حقوقی مربوط به جامعه "ال.جی.بی.تی" باید بررسی وضعیت خاص هر گروه را برابر با شرایط خاص خودش مورد توجه قرار داد. به طور مثال، افراد تراجنسیتی ایرانی در صورت آغاز روند تغییر جنسیت، از حمایت قانونی برخوردار هستند. اما این نگرانی وجود دارد که چرا هم‌جنس‌گرایان، بدون نیاز به خدمات پزشکی، تشویق به جراحی و تغییر جنسیت می‌شوند؟ متأسفانه در کشور ایران، خدمات پزشکی برای تغییر جنسیت به مقدار قابل توجه وجود ندارد. متأسفانه به دلیل سیستم هموفوبی که در جمهوری اسلامی وجود دارد، انسان‌ها فقط در دو دسته زن یا مرد جای دارند.

جمه‌وری اسلامی، ترانس بودن را بیماری می‌شمارد و به همین شکل به افراد معافیت سربازی هم می‌دهد. اگر مانند این، گواهی برای هم‌جنس‌گرایان هم صادر شود، احتمال مجازات برای فرد هم کاهش می‌یابد، هرچند که این امر با مفاد قانونی در تضاد است. به طور

کلی نمی‌توان گفت که حمایتی برای جامعه "ال.جی.بی.تی" در قوانین ایران وجود دارد. در بیشتر کشورهایی که جوامع ال.جی.بی.تی را به رسمیت می‌شناسند، قوانین برای حمایت در برابر خشونت علیه این گروه وجود دارد، اما از آنجا که متأسفانه روابط هم‌جنس‌گرایان در ایران، جرم تلقی می‌شود، هم‌جنس‌گرایان و به طور کلی هر یک از اعضای خانواده این گروه، در صورت شکایت علیه آزار و اذیت اعضای خانواده و جامعه، با خطرات چشمگیری از سوی مراجع قانونی، روبرو خواهند بود. علاوه بر مواردی که ذکر شد، قوانین تبعیض‌آمیزی در خصوص پوشش و رفتار افراد جامعه وجود دارد که می‌تواند گریبانگیر تمامی زیرمجموعه‌های جامعه "ال.جی.بی.تی" شود.

از هم‌جنس‌گرایان در قوانین جزایی ایران، تعریف درستی نشده است، چون گرایش جنسی، یک احساس درونی است و تا زمانی که عنصر مادی جرم به وقوع نپیوسته است، هیچ کس نمی‌تواند تفحصی در گرایش‌های جنسی افراد نماید. اما متأسفانه، برای روابط جنسی با رضایت بین دو فرد هم‌جنس، مجازات سنگین قرار داده شده است و قانونگذار صراحتاً در ماده ۷۳۲ قانون مجازات اسلامی، رفتار هم‌جنس‌گرایانه را مستوجب ۱۳ تا ۴۷ ضربه شلاق تعزیری قرار داده است.

برعهده داشته باشند یا مردان نان آور خانه باشند. ترنس جندر، سیجندر، غیرباینری،

لباس‌ها و رنگ‌های جنسیتی صورتی برای بی‌جنسیتی (ytilauxesA):

دختران و آبی برای پسران و انتظارات رفتاری، شامل افرادی است که جذابیت جنسی را تجربه

مانند اینکه مردان نباید احساسات خود را نشان نمی‌کنند یا تجربه کمی از آن دارند. این افراد

دهند و این مقوله در زمان‌ها و فرهنگ‌های ممکن است هنوز هم تمایلات عاطفی قوی به

مختلف چه در قدیم و چه حال تغییر می‌کند. دیگران داشته باشند. این اصطلاحات و هویت‌ها

مثال دیگر، رفتار کلاسیک گذشته است که به افراد کمک می‌کند تا هویت‌های جنسیتی و

مثلاً زنان نباید در کنار مردان غذا بخورند (بیشتر گرایش‌های جنسی خود را بهتر بیان کنند و به

روستاها در آذربایجان که شاهدش بودم)، و در درک و پذیرش تنوع انسانی کمک می‌کند.

شمال کشور، زنان و مردان و مهمانان در یک هویت و گرایش جنسی به طور مستقیم از طریق

سفره با هم غذا می‌خورند. آزمون‌های پزشکی یا آزمایش‌های آزمایشگاهی

بنابراین، جنسیت بیولوژیکی و فیزیولوژیکی تعیین نمی‌شود. این ویژگی‌ها عمدتاً به تجربه

به ویژگی‌های طبیعی و ژنتیکی افراد اشاره و درک فردی وابسته هستند و در زمینه‌های

دارد، در حالی که جنسیت/جندر به انتظارات و روان‌شناختی و اجتماعی بررسی می‌شوند.

نقش‌های اجتماعی که جامعه برای افراد تعیین توضیحاتی در مورد نحوه تعیین و مشخص

می‌کند، گفته می‌شود. شدن هویت و گرایش جنسی آورده شده است.

هویت جنسیتی به معنای درک و تجربه فرد از جنسیت خود است که ممکن است با جنسیت

بیولوژیکی که در زمان تولد به او نسبت داده شده بیولوژیکی است، مطابقت داشته یا نداشته باشد. این هویت

به عوامل ذیل بستگی دارد:

الف) تجربه فردی: افراد، هویت جنسیتی خود را از طریق تجربه‌های شخصی و درک داخلی

از جنسیت خود تعیین می‌کنند. این تجربه‌ها شامل نحوه احساس کردن در مورد خود و نحوه

برقراری ارتباط با جنسیت‌شان است. اشاره دارد، مثل لزیبن، گی، بایسکشوال.

هویت جنسی یا ytitnedI lauxeS شامل هویت‌های مختلفی است که به تمایلات جنسی و جنسیتی فرد اشاره دارد.

گرایش noitatneirO lauxeS به تمایلات عاطفی و جنسی فرد، به جنسیت‌های مختلف

اشاره دارد، مثل لزیبن، گی، بایسکشوال. شامل نحوه احساس کردن در مورد خود و نحوه

هویت ytitnedI redneG به نحوه شناسایی برقراری ارتباط با جنسیت‌شان است.

فرد نسبت به جنسیت خود اشاره دارد، مثل ب) مشاوره و روان‌شناسی: مشاوران و

روان‌پزشکان می‌توانند در فرآیند درک هویت به طور عمده به پذیرش و درک فردی از خود و

جنسیتی کمک کنند. جلسات مشاوره و همچنین تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بستگی

ارزیابی‌های روان‌شناختی می‌توانند به افراد دارد. افراد ممکن است با گذر زمان و در تعامل با

کمک کنند تا هویت جنسیتی خود را شناسایی دیگران، به شناخت دقیق‌تری از گرایش جنسی

و درک کنند. خود برسند.

پ) تشخیص پزشکی و درمان: در مواردی در نهایت، هویت جنسیتی و گرایش جنسی

که افراد مایل به تغییر ویژگی‌های جسمی خود مواردی هستند که از طریق تجربه شخصی و

هستند، پزشکان می‌توانند درمان‌های هورمونی درک فردی تعیین می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها

یا جراحی‌های تغییر (تطبیق جنسیت) را پیشنهاد را از طریق آزمون‌های پزشکی یا آزمایش‌های

دهند. این درمان‌ها به تطبیق ویژگی‌های آزمایشگاهی مشخص کرد. تخصص‌های

جسمی با هویت جنسیتی کمک می‌کند، اما روان‌شناختی و مشاوره‌ای، نقش مهمی در درک

هویت جنسیتی در نهایت از طریق تجربه فردی و پذیرش این ویژگی‌ها دارند.

تعیین می‌شود. پروسه روان‌شناختی، هویت و گرایش امروزه برای

ت) گرایش جنسی: به تمایلات عاطفی و جنسی شناخت و کمک به افراد برای آنچه از تجربیات

فرد به جنسیت‌های مختلف اشاره دارد. گرایش خود می‌گویند در مراجعه به بیمارستان‌ها، با توجه

جنسی نیز به عوامل تجربه فردی بستگی دارد. به تشخیص فیزیولوژیکی و بیولوژیکی توسط

گرایش جنسی به طور عمده از طریق احساسات بخش روان‌پزشکی و اورولوژی و ایندیکورولوژی

و تمایلات فردی مشخص می‌شود. افراد ممکن و آزمایشات خون و تست‌های روان‌شناختی و

است از طریق روابط و تجربیات عاطفی و جنسی مجموعه‌ای از پزشکان، به فرد کمک می‌کنند

خود، گرایش جنسی‌شان را شناسایی کنند. تا هویت و گرایش خودش را بهتر بشناسد و با

ث) آزمون‌های روان‌شناختی: روان‌شناسان اصلاح و معرفی خود، برای تشخیص هویت و

و مشاوران ممکن است از طریق مصاحبه‌ها و گرایش با مشکل مواجه نشود.

مشاوره‌ها به افراد کمک کنند تا درک بهتری و یک استثناء برای یکسری از افراد کوئیر،

از گرایش جنسی خود پیدا کنند. این فرآیند، زیرمجموعه "اینترسکس" یا به اصلاح

به شناسایی و پذیرش هویت و تمایلات فردی "دوجنسیتی" هستند که تعدادشان از هزار به

کمک می‌کند. یک در جامعه دیده می‌شوند، چه در انسان‌ها و

ج) پذیرش اجتماعی و شخصی: گرایش جنسی حیوانات که با دو جنسیت متولد می‌شوند.

جنسی یا جنسیتی خود هستند یا در مسیر تغییر (تطبیق جنسیت) قرار دارند. xesretnI (افراد با ویژگی‌های جنسی ترکیبی) فردی که (اینترسکس) است، به معنای فردی است که ویژگی‌های جنسی آن‌ها (از جمله اندام‌های تناسلی، کروموزوم‌ها و هورمون‌ها)، به طور طبیعی به ترکیبی از ویژگی‌های مردانه و زنانه تعلق دارد و نمی‌توان آن‌ها را به طور واضح در دسته‌های سنتی مردانه یا زنانه جای داد. افراد (اینترسکس) ممکن است ویژگی‌های جسمانی، کروموزومی یا هورمونی داشته باشند که خارج از دسته‌های معمول مردانه و زنانه قرار می‌گیرند. این ویژگی‌ها می‌توانند به صورت‌های مختلفی از جمله ویژگی‌های تناسلی غیرمعمول، وضعیت کروموزومی نادر یا تغییرات هورمونی مشاهده شوند.

lauxesA یا (آسیال) yIIA (حامی) اصطلاحات آسیال، ال.جی.بی.تی.کیو.آی.ای و حامی به دو گروه مختلف اشاره دارند:

lauxesA (آسیال) فردی است که به طور معمول تجربه یا تمایل به جذب جنسی به دیگران ندارد. این به معنای عدم تمایل یا کمبود تمایل به فعالیت جنسی است، اما ممکن است چنین فردی روابط عاطفی یا رومانیک را تجربه کند.

yIIA (حامی) : فردی است که خود بخشی از جامعه ال.جی.بی.تی.کیو.آی.ای نیست، اما از حقوق و شمولیت این جامعه حمایت می‌کند و به دنبال ارتقاء آگاهی و برابری برای افراد ال.جی.بی.تی.کیو.آی.ای است. حامیان معمولاً نقش مهمی در ایجاد تغییرات مثبت و حمایت از حقوق این افراد پیدا می‌کنند.

معضلات و مشکلات عمده بر سر راه پناهندگان (ال.جی.بی.تی) چیست؟ پناهندگان "ال.جی.بی.تی" مواجهه با مشکلات و معضلات متعددی از جمله موانع قانونی و سیاسی در برخی کشورها، مثل کشور ترکیه هستند که قوانین و سیاست‌های ضد پناهندگان ال.جی.بی.تی وجود دارد که می‌تواند به مشکلات قانونی برای آنان منجر شود. ما شاهد آن هستیم که پناهجویان "ال.جی.بی.تی" را در مصاحبه با بهانه‌های مختلف رد می‌کنند، در حالی که به یک ترنس در کشور ایران، مجوز تطبیق جنسیت می‌دهند و می‌تواند در ایران زندگی کند. برای هم‌جنس‌گرایان اعلام می‌کنند که پنهان‌کاری کنید، به کسی نگویید و شهرتان را تغییر دهید. آمار ردی پناهندگان "ال.جی.بی.تی" که قبولی سازمان ملل را دارند و در دولت هوموفوبی ردی گرفته‌اند و در معرض دیپورت هستند، زیاد است.

دریافت وضعیت پناهندگی برای "ال.جی.بی.تی" ها می‌تواند دشوار باشد، زیرا آنها باید اثبات کنند که در کشور مبدأ خود تحت تهدید و آزار

قرار دارند یا از خانواده و جامعه طرد شده‌اند. هپاتیت و یا ایدز به دارو دسترسی ندارند و عدم متاسفانه دولت ترکیه، برای خطر جانی از یک هم‌جنس‌گرا و ترنس‌جندر مدارک می‌خواهد که از طرف خانواده طرد، و تهدید جانی شده است. فشارهای اضافی به پناهندگان "ال.جی.بی.تی" وارد کند و باعث مشکلات بیشتری در زندگی بر هویت "ال.جی.بی.تی" اش باشد که سیستم عدم پذیرش "ال.جی.بی.تی" در ترکیه آن را کار نمی‌دهند. برخی از فراد به خصوص ترنس، پناهندگان "ال.جی.بی.تی" ممکن است در کشورهای میزبان، با تبعیض و آزار از سوی جامعه یا حتی مسئولین مواجه شوند که من شاهد گزارش‌های زیادی از تبعیض و نژادپرستی در ترکیه بودم. به پناهندگان "ال.جی.بی.تی" به راحتی خانه اجاره نمی‌دهند یا به آنها کار نمی‌دهند.

تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند باعث دشواری در ادغام و تطابق پناهندگان "ال.جی.بی.تی" با جامعه جدید شود. خود "ال.جی.بی.تی" های ترکیه با سیستم دولت ترکیه مشکل دارند و درحال فرار از ترکیه هستند.

دسترسی به خدمات حمایتی، بهداشتی و روانی مخصوص پناهندگان "ال.جی.بی.تی" ممکن است محدود باشد. پناهندگان "ال.جی.بی.تی"، ترنس‌ها در شهرهای کوچک، به دلیل نداشتن بیمه، دور از امکانات هورمون‌تراپی یا خدمات پزشکی هستند و یا برخی از افراد دارای بیماری است.

این مساله حساس، کوتاهی می‌کنند. افراد "ال.جی.بی.تی"، همیشه در جامعه مذهبی، دین‌سالار و مردسالار، مورد خشونت و آسیب قرار می‌گیرند و این آسیب اجتماعی به جامعه برمی‌گردد. پشتیبانی از پناهندگان "ال.جی.بی.تی" نیازمند درک عمیق و اقداماتی مشخص برای مقابله با این مشکلات است. گزارش‌های زیادی از پناهندگان "ال.جی.بی.تی" در کشورهای ترکیه، عراق، آذربایجان و ارمنستان دریافت می‌کنم که بسیار ناراحت‌کننده است.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net